



پرو، شکار علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

تال جامع علوم انسانی
 عروسک ما، نایشکر فرہنگ عامہ

آشنائی و گفتگوں با جمہال میریایاں استعاروسک ما

عروسک سازی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. سنگهای گونه‌گون و آنگاه پارچه‌های رنگ‌برنگ درازمنه دور ابزار دست عروسک سازان بود. اما در گذشته هدف تنها ساختن وسیله‌ای زیبا و فانتزی بود، بازی، برای سرگرمی، برای بچه‌ها و برای وقت گذرانی... ولی امروز عروسک سازی، هنری است که باری از فرهنگ را بدوش میکشد.

عروسکهای هنری امروز نمایندگان فرهنگ عامه‌اند، چرا که جامعه مردم نواحی مختلف وزینت و آرایش مردان و زنان روستاها، عشایر، ایلات و آبادیهای دور و نزدیک را مینمایند - و بدینسان به‌گونه‌ای نمایشگر سمبل فولکلور ملل میشوند. از اینروست که عروسکها در موزه های هنری و فرهنگی جهان جایی در خور و مناسب به خود اختصاص داده‌اند.

عروسک‌سازی در مسیر هنر و فرهنگ - و نه در سیمای فانتزی و تفتنی آن - مولودی تازه برای جامعه ماست و با آنکه هنوز بیش از ۳۰ سال از عمر این مولود ظریف و زیبا نمیگذرد، در دنیا اعتبار و خواستاران بسیاری برای خود بدست آورده است - و اینک عروسکهای ایرانی در گوشه و کنار جهان رسولان فرهنگ عامه ما هستند.

از جمله کسانی که در معرفی نفوذگر عروسکهای زیبای ایران نقشی برجسته داشته «جمال میربابائی» رئیس کارگاه عروسک‌سازی موزه مردم شناسی است.

۲۰۰۰ عروسک که طی ۳۰ سال در زیر پنجه‌های پرتلاش او متولد شده‌اند، نیمی از جهان را پیموده‌اند، به کشورهای دور و نزدیک رفته‌اند، به موزه های هنری و فرهنگی گونه‌گون سر کشیده‌اند و همه جا فرهنگ عامه ایران را با همه تنوع گسترده و جاذبه آمیزش معرفی کرده‌اند. اما پیروزی یکی از این عروسکها از همه درخشانتر بوده است. او یک زن قاجار بود، با پیکری مومسی. قامتش به ۵۶ سانتیمتر میرسیه، وزینت و آرایش به سبک زنان ۱۰۰ سال پیش بود. موهای بلند سیاهش روی گردن عاج گوش تاب خورده و بر شانه‌هایش افشان شده بود. چشمهایش برق نگاه زنان ایل را داشت. او همراه ۴ هزار عروسک دیگر که از سراسر دنیا آمده بودند در گالری پاریس شرکت کرد. مقام اول گالری به این زن سیاه چشم قاجار رسید و داوران گالری ۲۵۰ هزار ریال برای آن ارزش تعیین کردند.

«میربابائی» تنها عروسک‌ساز نیست. پیکره‌های او اگر جاذبه و اعتباری بیش از عروسکهایش نداشته باشند، کمتر ندارند. میگوید:

- تا بحال ۸۰ مجسمه به اندازه‌های طبیعی ساختم.

بیشتر این مجسمه‌ها در موزه‌های رضائیه، آبادان، کاشان، میاندواب و دیگر موزه های شهرستانی نگهداری میشود.

روی آوری «میربابائی» به هنر عروسک سازی و پیکرتراشی کاملاً اتفاقی بود. پیش از آن او با هنر و مجسمه و عروسک بیگانه بود. و حتی تصور نمیکرد که روزی زندگیش با عروسکهای جورا جور و دنیای خاموش و سنگین مجسمه‌ها بیامیزد.

او تعریف میکند که:

- به سال ۱۳۰۳ در طالقان متولد شدم. دوسال بعد پدرم راهی بندر پهلوی شد. تا هشت سالگی در این شهر بودم و بعد همراه خانواده‌ام به شهسوار رفتم. ۱۲ ساله بودم که به تهران آمدم و تا نیمه دبیرستان را گذراندم، اما زندگی گاه چهره عبوس و سختی به‌خودمیکشید، خشمگین و قه‌رآلودنگاه میکند و هرآنچه را که برای آینده آرزو داریم از هم مینماید. من به ناگهان با این چهره گرفته و تلخ زندگی روبرو شدم. نیاز مالی ناگرم کرد که ترک تحصیل کنم. این شکست با خودش فتحی همراه داشت. شکست هدفهای من بود، اما سرآغاز آشنائی من با هنر شد. به موزه مردم شناسی رفتم و هنرجوی رشته مجسمه سازی شدم.

استاد من «کاتاکالی» نام داشت. یک افسر تراری بود که در مجسمه‌سازی و ماکت سازی اعجاز میکرد. میگفتند: «درهرانگشت او یک گنج هنر نهفته است».

و این ادعا نبود، بیراه نبود.

«کاتاکالی» از پایه‌گزاران موزه مردم شناسی بود. او باهوش به رونق و اصالت این موززه یاری داد. پیکره‌های او که در موزه مردم‌شناسی نگهداری میشود، از بهترین آثار مجسمه‌سازی ماست.

تا سال ۱۳۲۴ زیر نظر او به رموز و ظرایف هنری کار آشنا شدم تا اینکه او برای ساختن ماکتی از تخت جمشید راهبان شیراز گشت و اداره کارگاه مجسمه‌سازی و عروسک‌سازی موزه به من واگذار شد.

عروسکهایی که از آن پس میساختم از طرف دولت به کشورهای مختلف هدیه میشد. به ژاپن، آمریکا، کانادا، ترکیه، انگلیس، فرانسه، دانمارک، برزیل و بسیاری دیگر از کشورها. و این عروسکها پیش از آنکه جنبه زیبایی وزینتی داشته باشند، روح سنت‌ها و رسوم و عادات مردم کشورما را با خود به سرزمین‌های دیگر میبردند و به تماشا میگذاشتند. این وسیله‌ای بود برای معرفی مردم سرزمین های دیگر. در واقع عروسکها پل پیوند و آشتی و آشنائی بودند...



تعدادی از عروسکهای مجلس به لباسهای محلی که بوسیله آقای میربابائی ساخته شده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کارهایشان، پراز لطف و هنر و زندگی است. مثلاً خانم منتخب ضیا، حسین فخمی، یاشان تانیک هر یک مجسمه‌ساز و عروسک‌پرداز قابل هستند و آثارشان حتی قابل عرضه در سطح جهانی است.

«میربابائی» ادامه میدهد:

برای ساختن یک عروسک یک گروه ۵ نفری ۴ تا ۵ ساعت کار میکنند. اینکه میگویم یک گروه برای اینست که یک عروسک از اجزاء متفاوتی تشکیل میشود که هر یک از این اجزاء مصالحی خاصی میخواهد و شگرد ویژه‌ای برای ساختن آن لازمست.

عروسک‌سازی، پیکرتراشی، مانکن‌سازی، دردیای امروز هنرهای معتبری است. برای آنکه این هنرها تغییر و برای آنکه رشد کند و مانند درخت تناوری شاخ و برگش را بر جهان بگسترده لازم بود که چون میراثی به نسل تازه سپرده میشد، نسلی که در حال رویش بود و آفتاب فردا در میان دستهای او طلوع میکرد. با این همه فواید بود که از سال ۱۳۳۳ کارگاه مجسمه‌سازی و عروسک‌سازی در موزه مردم‌شناسی توسعه پیدا کرد و شاگردان و هنرآموزان بیشتری پذیرفت. از آن هنگام تا به امروز حدود ۴۰ شاگرد داشته‌ام و آنها را آموزش داده‌ام. بعضی از شاگردانم اینک در عروسک‌سازی و پیکرتراشی به حد خلافت رسیده‌اند.



هزینه مصالحی که برای ساختن يك عروسك بكار گرفته میشود حدود ۷۵۰ ریال است ، اما چنین عروسکی حداقل ۳ هزارریال ارزش دارد .

نه تنها اشکال ، بلکه انواع عروسك ، کاملاً متفاوت و متنوعند . ممکنست عروسك را از جنس گچ ساخت یا از فلز ، ویا موم و حتی مقوا .

سر دستهای عروسك که غالباً از لباس بیرون است ، بیشتر از موم ساخته میشود درحالیکه بدن آن مقوایی است .

عروسك ساز نخست مدل خودرا می‌یابد . این مدل بیشتر وقتها «آدم» است . از روی این مدل با گچ ، گل و یا

پلاستیك مجسمه‌ای ساخته میشود . بعد این مجسمه با پارافین جامد ، گچ ، فلز ، ویا پلاستیک قالب‌گیری میگردد . وقتی

قالب مهیا شد مایه مومی را گرم کرده و داخل آن میریزند . قطر انجماد موم موقعیکه به يك سانتیمتر رسید آنرا از قالب

خارج میکنند و پس از تعمیرات سطحی و تراش ظریف آن ، به قسمت موگذاری تحویل میشود . دراین قسمت از موی

طبیعی برای عروسك ، زلف ، ابرو ، مژه (واگر مرد باشد سیل و ریش) ساخته میشود و سپس به قسمت رنگ‌کاری

منتقل میگردد . تا فراموش نکردم اضافه کنم که طرزساختن عروسك ، مانکن و مجسمه تقریباً شبیه هم است و بجای چشم

عروسکها و مانکن‌های بزرگ معمولاً از چشم مصنوعی استفاده میشود .

پس از آنکه کار رنگ‌آمیزی و آرایش عروسك تمام شد ، نوبت جامه و کفش ویا احياناً کلاه یا چادر و روبنده و بندرت چاقچور اوست . این قسمت بعهده دوزنده مخصوص

است . باید توجه داشت که نحوه لباس و آرایش و زینت عروسکها و مانکن‌ها باید کاملاً متناسب با مردمی باشد که قرار

است عروسك یا مانکن مدل و نمایشگر آنها شود و این هنگامی میسر است که عروسك‌ساز آشنائی دقیقی از چگونگی لباس

آرایش ، آداب و سنن مردم نواحی دور و نزدیک و گوشه و کنار مملکت خود داشته باشد . او باید زندگی بلوچ ، لر ،

ترکمن ، کرد و گیلک را بشناسد و بداند . باید از رسوم قبیله وایل و عشیره ، کوه‌نشین و جلگه‌نشین و جنگلی اطلاع داشته

باشد ، از روحیه و علائق آنها از شکل و شمایل ، ویژگیهای جغرافیائی ، فیزیکی و تژادی آنها آگاه باشد و برزمینه این

آگاهی به آفرینش الگوهای خود بپردازد .

صحیح از مانکن و عروسك و مجسمه شد . بجاست اگر اشاره‌ای به تفاوت‌های اصولی آنها شود . برای مجسمه اغلب

چشم جداگانه نمی‌گذارند . علاوه بر این مجسمه را موگذاری هم نمیکند . بدیهی است که برای مجسمه کمتر از لباسهای

نخی و پارچه‌ای استفاده میکنند . اما مانکن باید حتماً لباس جداگانه داشته باشد . باید يك انسان در مقیاس کوچکتر باشد ، با زلف و ابرو و مژه ، لباس و کفش - و حتی زینت های گونه‌گون

بدن عروسك و مانکن هم اغلب بصورت آرتی‌کوله (مقطب مار - متحرك) با قطعات مجزا قالب‌گیری میشود .

«ژاپنی‌ها در عروسك و مانکن سازی هم از سابقه بسیار دیرینه برخوردارند ، هم از تجربه فراوان . ذوق و سلیقه آنها در ساختن عروسکهای جوراجور در تمامی دنیا بی‌همتاست .

ژاپنی‌ها قرن‌هاست که بزرگترین و هنرمندترین عروسك سازان هستند و آنچه به معروفیت و اصالت این عروسکها مدد میرساند فرهنگ عامه غنی آنهاست .

اما با همه این قدمت و سابقه ، عروسکهای ایرانی میتوانند رقیبان سرسختی برای ژاپنی‌ها و حتی دیگر ملل باشند ، چرا که

تنوع و گستردگی که نظیر فرهنگ عامه ایران تنها به اندک جوهر هنری و خلاقیت زنده نیازمنداست تا جاذبه‌ای درخشان

بیابد و خودرا به جهان معرفی کند .

«هنرمندان جوان عروسك‌ساز ما باید با این هدف و امید پیش بروند

این عبارات را میریایائی ، با نوعی اعتقاد بر زبان میراند